

گوزپشت نتر دام

نویسنده:
ویکتور هوگو

ترجمہ:
جواد محیی

سرشناسه: هوگو، ویکتور ماری، ۱۸۰۲ - ۱۸۸۵ م.

Hugo, Victor Marie

عنوان و نام پدیدآورنده: گوژپشت نتردام/ نویسنده: ویکتور هوگو؛ ترجمه جواد محیی.

مشخصات نشر: تهران: مؤسسه فرهنگی پیر: یمام. ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۵۸۴ ص؛ ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.

شابک: 978-964-8007-71-8

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: **Notre - Dame de Paris** عنوان اصلی:

موضوع: داستان‌های فرانسه -- قرن ۱۹ م.

شناسه افزوده: محیی، جواد، ۱۲۹۲ - ۱۳۴۷ - مترجم

رده‌بندی کنگره: PQ ۲۵۲۸ گ ۹۱۳۹۴

رده‌بندی دیویی: ۸/۸۴۳

شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۱۱۲۳۲



گوژپشت نتردام



- نویسنده: ویکتور هوگو
- مترجم: جواد محیی
- حروف چینی و صفحه‌آرایی: منیر علیزاده
- نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵
- تیراژ: ۵۰۰ نسخه
- قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

■ شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۰۰۷-۷۲-۸ - 978-964-8007-72-8 ISBN

• آدرس: خ لبافی نژاد، بین خ دانشگاه و فخررازی، پلاک ۱۷۴ واحد ۳
تلفن: ۶۶۴۶۶۳۶۰ - ۶۶۴۶۶۹۶۵ - ۹۱۲۳۰۲۵۲۰۵

فهرست مطالب

۹	بخش اول
۱۰	(۱) تالار بزرگ
۲۷	(۲) پیر گرنگووار
۳۹	(۳) آقای کاردینال
۴۵	(۴) خواجه ژاک کوپنول
۵۶	(۵) کازیمودو
۶۵	(۶) اسمرالدا
۶۹	بخش دوم
۷۰	(۱) از چاه به چاله
۷۳	(۲) میدان اعدام
۷۵	BESOS PARA GOLPES (۳)
۸۶	(۴) عواقب تعقیب زن زیبا
۸۶	(۵) در کوچه های تاریک
۹۱	(۶) گرفتاری های بعدی
۹۴	(۷) کوزه شکسته
۱۱۶	(۸) شب عروسی
۱۲۹	بخش سوم
۱۳۰	(۱) نتردام
۱۳۶	(۲) منظره ی پاریس
۱۴۳	بخش چهارم
۱۴۴	(۱) نیکو کاران
۱۴۸	(۲) کلود فرولو
۱۵۳	(۳) صدای زنگ ها
۱۶۱	(۴) سگ و صاحب سگ

۱۶۳	(۵) دنباله‌ی سرگذشت کلود فرولو
۱۶۹	(۶) کراحت در انظار
۱۷۱	بخش پنجم
۱۷۲	(۱) راهب سن‌مارتن
۱۸۵	(۲) آن به دست این منهدم خواهد شد
۲۰۱	بخش ششم
۲۰۲	(۱) نظری بی‌طرفانه به هیئت قضات قدیم
۲۱۳	(۲) سوراخ موش
۲۱۸	(۳) داستان گرده نان
۲۴۱	(۴) قطره‌ای اشک برای جرعه‌ای آب
۲۵۱	(۵) پایان داستان کلوچه
۲۵۳	بخش هفتم
۲۵۴	(۱) خطر اعتماد به حیوان
۲۷۱	(۲) هر راهبی فیلسوف نیست
۲۸۱	(۳) زنگ‌های کلیسا
۲۸۴	(۴) آنانگی ANATKH
۳۰۱	(۵) دو مرد سیاه‌پوش
۳۰۸	(۶) خاصیت ناسزا در هوای آزاد
۳۱۴	(۷) راهب بدخو
۳۲۳	(۸) فایده پنجره‌های مشرف به رودخانه
۳۳۳	بخش هشتم
۳۳۴	(۱) تبدیل سکه طلا به برگ خشک
۳۴۵	(۲) دنباله‌ی داستان سکه طلایی که به برگ خشک مبدل شد
۳۵۱	(۳) پایان داستان سکه‌ای که به برگ خشک تبدیل شد
۳۵۵	LASCIATE OGNI SPERANZA (۴)
۳۷۱	(۵) مادر
۳۷۶	(۶) سه مرد با سه قلب متفاوت
۳۹۳	بخش نهم
۳۹۴	(۱) التهاب
۴۰۵	(۲) گوژپشت، یک چشم، لنگ

۴۰۹	(۳) مرد کر
۴۱۳	(۴) سفال و بلور
۴۲۵	(۵) کلید در سرخ
۴۲۸	(۶) دنباله‌ی کلید در سرخ
۴۳۳	بخش دهم
۴۳۴	(۱) افکار عالی گرنگوار
۴۴۷	(۲) بروید و لگرد شوید
۴۵۰	(۳) زنده باد شادی
۴۵۹	(۴) دوست ناشی
۴۷۹	(۵) پنجره‌ی روشن باستیل
۵۱۴	(۶) مشعل زیر سرپوش
۵۱۶	(۷) ندای یاری شاتوپره
۵۱۹	بخش یازدهم
۵۲۰	(۱) پاپوش کودک
۵۵۷	(۲) IA CREATURA BELLA BIACO VESTITA، دانته
۵۶۶	(۳) عروسی فوبوس
۵۶۷	(۴) عروسی کازیمودو

چند سال پیش نویسنده این کتاب به هنگام تماشای یا بهتر بگوییم ضمن کاوش در کلیسای (نتردام) در یکی از زوایای تاریک برج‌های آن کلمه‌ی A'NALKH را که دستی عمیقاً بر یکی از دیوارها کنده بود مشاهده کرد. در اثر مرور ایام غبار سیاهی بر روی نوشته‌ی مزبور نشسته و سیاق نگارش و رسم‌الخط آن خاطره‌ی دوران قرون وسطی را زنده می‌کرد.

این کلمه‌ی مبهم و اسرارآمیز با چنان ظاهر مشئوم و منحوس چه معنایی داشت؟ نویسنده‌ی کتاب کوشید تا به راز این معما پی برد. از کجا معلوم که روح آزرده‌ای پیش از آن که برای همیشه جهان را وداع گوید بر جبین این کلیسای کهنسال داغ گناه یا نکبتی زده باشد؟ از آن پس تاکنون بارها دیوارها را سفیدکاری نموده و یا تراشیده‌اند و اینک سنگ‌نبشته‌ی مزبور به کلی از بین رفته است. مدت دو‌یست سال است که با ابنیه‌ی تاریخی قرون وسطی چنین رفتار ناشایستی می‌شود. از خارج و داخل آن‌ها را مثله می‌کنند. کشیش گچ می‌کشد و معمار می‌تراشد آن‌گاه مردم سر رسیده و همه را به یک‌جا به سوی تباهی می‌کشانند.

از این قرار نوشته‌ی مزبور پیش از آن‌که اسرارش از پرده برون افتد، محو شد و تنها خاطره‌ی محو و مبهمی از آن بر ذهن مؤلف باقی ماند. کسی که این کلمه را بر دیوار برج کلیسای «نتردام» نقش زده چندین قرن پیش از جهان رخ بر بسته و نوشته‌ی او هم به دنبال وی ناپدید گردیده، پایان عمر کلیسا نیز بسیار نزدیک است. کتاب حاضر درباره‌ی سنگ‌نبشته‌ی مزبور به رشته‌ی تحریر درآمده است.

«ویکتور هوگو»

مارس ۱۸۳۱

بخش اول

تالار بزرگ

سیصد و چهل و هشت سال و شش ماه و نوزده روز پیش اهالی پاریس به صدای زنگ کلیساها که از سه منطقه‌ی شهر قدیم و جدید و کوی دانشگاه برمی‌خاست از خواب بیدار شدند.

خاطره‌ی هیچ روزی از سال چون روز ۶ ژانویه سال ۱۴۸۲ در تاریخ به جای نمانده است. غلغله‌ی ناقوس کلیساها و ازدحام کاسبکاران در پاریس از صبح زود برای چه بود؟ در آن روز از حمله‌ی (پیکارها) و یا (بورگینیون)ها و یا شکار دسته‌جمعی اشراف و یا عصیان طلاب مدارس در «آلاس» و یا تشریف‌فرمایی «اعلی‌حضرت پرصوت پادشاهی» خبری نبود، زن یا مرد جیب‌بری را نیز به حکم دادگستری پاریس به دار نمی‌زدند، سفیر بیگانه‌ای نیز با دبدبه و کبکبه خاص، چنان‌که متداول قرن پانزدهم بود وارد پاریس نمی‌شد چون که همین دو روز پیش برای آخرین بار سفیر «فلاندر»^۱ با فرّ و شکوه تمام برای مذاکره در امر ازدواج ولیعهد با مارگریت فلاندر وارد پاریس شده و جناب کاردینال «بوربون» نیز برای خوشایند پادشاه، صورت خوشی به این جار و جنجال دهاتی‌وار شهردار فلاماند نشان داده بود. عالی‌جناب از مهمانان در مهمانسرای بزرگ بوربون پذیرایی نمود، حتی از این‌که رگبار ناگهانی خسارت زیادی بر قالیچه‌های گرانبهایش و در و دیوار کاخ وارد ساخته بود خم به ابرو نیاورد.

۱. فلاندر Flandra نام سرزمینی است در شمال شرق فرانسه و جنوب دریای شمال و در حال حاضر دو ایالت از ایالات بلژیک را تشکیل می‌دهد.